



انهدام اعضای باند زورگیر طلا در «تهران»

متهمان، کیف حاوی بیش از ۳ کیلو طلا را سرقت کردند

باند زورگیر طلا در کمتر از ۱۰ روز دستگیر شد. این متهمان با تهدید سلاح سرد، کیف حاوی بیش از ۳ کیلو طلا را سرقت کرده بودند.

یکی از اعضای باند دیوار چین که قبلاً توسط پلیس دستگیر شده بودند، مجدداً با تشکیل باندی کیف حاوی ۳ کیلو و ۴۰۰ گرم طلا را سرقت کرده بود. او در کمتر از ۱۰ روز توسط کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی بازداشت شد.

بیستم مهر امسال با شکایت مرد طلافروشی در خصوص سرقت کیف دستی اش که حاوی ۳ کیلو و ۴۰۰ گرم طلا بود، تحقیقات از سوی ماموران پایگاه سوم پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد.

شاکی درباره جزئیات این سرقت گفت: «به همراه همکارم زمانی که قصد داشتیم سوار بر خودروی ۲۰۷ خود در خیابان ظفر شویم، چهار مرد جوان که صورت هایشان را پوشانده بودند، با تهدید کیف حاوی ۳ کیلو و ۴۰۰ گرم طلا را سرقت کردند.»

با اعلام این شکایت کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی به بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل سرقت پرداختند. در بازبینی تصاویر دوربین‌ها، کارآگاهان پلیس موفق به شناسایی یکی از متهمان به نام جلال شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد جلال یکی از اعضای باند دیوار چین است. باندهای که چندین سال قبل اقدام به سرقت از طلافروشان و مشتریان صرافی‌ها می‌کردند و توسط پلیس دستگیر شدند. او با تشکیل باندهای، اقدام به سرقت طلا می‌کرد.

با شناسایی یکی از متهمان این پرونده، پس از هماهنگی‌های قضائی، کارآگاهان پایگاه سوم وارد عمل شدند. آنها مرد جوان را در مخفیگاهش در شرق تهران بازداشت کردند. با دستگیری جلال، همدستان دیگر او نیز شناسایی و در چندین عملیات جداگانه بازداشت شدند.

سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: «در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک کیلو و ۸۰۰ گرم طلا و یک صد و ۱۵ هزار دلار کشف شد. در ادامه متهمان به سرقت ۳ کیلو و ۴۰۰ گرم طلا اعتراف کردند. آنها گفتند که یک کیلو و ۶۰۰ گرم از طلاها را در بازار به فروش رسانده و پول حاوی حاصل از فروش طلاها را دلار خریده‌اند. تحقیقات برای دستگیری سایر جرایم احتمالی اعضای این باند ادامه دارد.»

تهدید به مرگ دختر جوان از سوی پسر دایی انتقامجو

فردی که با انتشار تصاویر خصوصی شاکی در واتس‌آپ قصد بی‌ابرو کردن او را داشت، دستگیر شد.

سرهنگ حشمت سلیمانی، رئیس پلیس فتای استان فارس درباره جزئیات این پرونده گفت: «دختر ۲۰ ساله شیرازی با ارائه دستور قضائی به پلیس فتا مراجعه کرد. او مدعی بود فردی ناشناس در فضای مجازی با انتشار تصاویر خصوصی اش در شبکه اجتماعی واتس‌آپ و همچنین تهدید به مرگ قصد بی‌ابرو کردن او را دارد. بنابراین رسیدگی به این پرونده به صورت ویژه در دستور کار کارشناسان قرار گرفت.»

او ادامه داد: «کارشناسان پلیس فتا سپس با هماهنگی مقام قضائی و جمع‌آوری مدارک و مستندات موفق شدند متهم را به همراه ادوات هوشمند ارتکاب جرم در یکی از محله‌های شیراز شناسایی و او را دستگیر کنند. در ابتدا متهم که پسر دایی شاکی بود، منکر جرم خود شد، ولی پس از مواجهه با مدارک و مستندات لب به اعتراف گشود.»

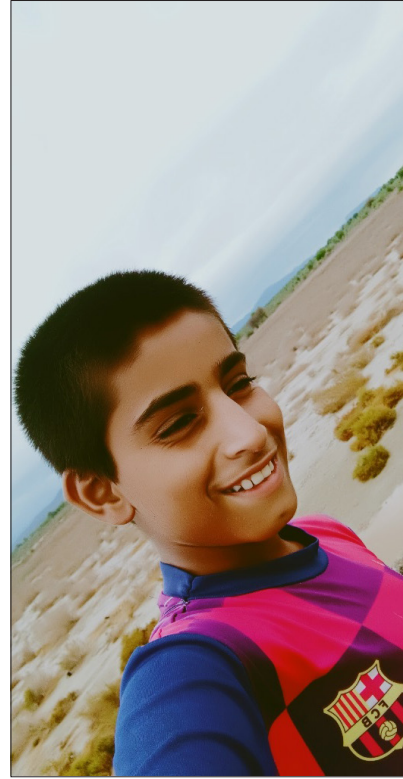
سرهنگ سلیمانی افزود: «در بازجویی اولیه مشخص شد که متهم به دلیل مشکلات خانوادگی که قبلاً با شاکی داشته، اقدام به انتشار تصاویر او در فضای مجازی کرده است. برابر قانون هرگونه توهین، اهانت یا پخش تصاویر شخصی افراد در فضای مجازی جرم محسوب شده و عواقب جبران‌ناپذیری برای فرد به همراه دارد، بنابراین رعایت اخلاق در فضای سایبر و به خصوص شبکه‌های اجتماعی امری مهم محسوب می‌شود.»



اسلم جدگال



محمدطاها درج‌تنگ



دانیال پیل پایه



علیرضا جدگال

گفت و گوی «شهروند» با خانواده ۴ کودک دفن شده در گودال

روایت جمعه غم انگیز چابهار

باید مجازات شوند تا دیگر چنین حادثه تلخی رخ ندهد.»

بازی تلخ ۱۶ بچه

اسلم یکی دیگر از قربانیان است. پسرعموی علیرضا بود. پسر ۱۰ ساله‌ای که آن گودال به قتلگاهش تبدیل شد. عموی اسلم در گفت‌وگو با «شهروند» آن روز را روایت می‌کند: «من با موتور در حال آمدن به روستا بودم، ناگهان مردم را دیدم که وحشت‌زده‌اند. به من گفتند بچه‌ها زیر آوار مانده‌اند. بلافاصله به آنجا رفتم. خودم زمین را کندم تا به بچه‌ها رسیدم. اول سه نفر را پیدا کردیم. آنها بالاتر بودند، برای همین زنده ماندند، ولی چهار نفر دیگر زیر خاک بیشتری دفن شده بودند. خیلی لحظه وحشتناکی بود. برادرزاده‌هایم را آنجا دیدم. علیرضا و اسلم. البته بقیه هم فامیل هستند. دانیال ۱۳ ساله هم پسرخاله من است. خیلی وحشت کردم. باز هم امید داشتم که زنده باشند. اما زنده نماندند.»

او ادامه می‌دهد: «در کل ۱۶ بچه آنجا بازی می‌کردند. همیشه هم به این گودال اعتراض می‌کردیم، ولی کاری نمی‌کردند. حالا که این همه بچه مصوم و بی‌گناه جان داده‌اند، باید بیایند و جواب بدهند. این چهار بچه به کدام گناه این‌طور دردناک جان باختند. برادرهایم در رنج و عذاب هستند. زندگی‌شان نابود شده. اسلم یک برادر بزرگ‌تر و یک خواهر ۹ ساله داشت. به پدرش وابسته بود. پدرش حالا حتی نمی‌تواند صحبت کند. خانواده‌شان نابود شده است. پدرش به خاطر یک حادثه در پایش پلاتین گذاشتند. از آن زمان دیگر نتوانست سرکار برود و در کل وضعیت معیشتی بسیار بدی دارد. حالا هم این حادثه زندگی آنها را برای همیشه نابود کرد. برای همین کسی باید باشد که تاوان پس بدهد. شاید تسکینی شود بر دل داغیده این خانواده‌ها.»

رفته بودند. نفسم بند آمد. بلافاصله به سمت آنجا دویدم. تا نفس داشتم دویدم. در آنجا با جمعیت روبه‌رو شدم. چند نفر داشتند آن گودال را می‌کنند. بچه‌ها گریه می‌کردند. در میان آنها سه پسر دیگرم را دیدم، اما علیرضا نبود. وحشت کردم و من هم به سمت گودال رفتم. با تمام توانم آنجا را کندم تا اینکه او را دیدم. علیرضا من داخل خاک بود. زیر خروارها خاک او را یافتیم. بغلش کردم و بیرون آوردم. او را روی زمین گذاشتم، اما نفس نداشت. پسرم رفته بود.»

حالا آنها می‌خواهند شکایت کنند. به دنبال مقصر ماجرا می‌گردند: «ما مرتب به آنها اعتراض می‌کردیم که این گودال را برکنند. حالا از صاحب خانه شکایت داریم. از هرکس که در این ماجرا دخیل است، شکایت داریم. بچه‌های ما بی‌گناه جان دادند، آن هم به شکلی تلخ و دردناک. چطور می‌توانم فراموش کنم. پسرم حتماً خیلی عذاب کشیده و جان داده است. این فکرها ما را عذاب می‌دهد. خدا را شکر حال سه پسر دیگرم خوب است، ولی وحشت‌زده هستند. حال روحی آنها خیلی بد است. برای همین تا آخر پای این ماجرا هستیم. مقصران



خانه خراب شدیم

پدر علیرضا حالا نمی‌داند باید چه کار کند. صدای فریادش را به گوش کدام مسئول برساند. چه کسی در مرگ تلخ فرزندش و در نابودی خانواده‌اش مقصر است: «چند روزی می‌شد که این گودال حفر شده بود. ما به صاحب خانه‌ای که در آنجا ساخته می‌شد اعتراض کردیم. گفتیم این گودال را برکنند تا بچه‌ها نتوانند به آنجا بروند، ولی اصلاً فایده‌ای نداشت. اهمیتی به حرف‌های ما ندادند. تا اینکه آن روز تلخ رسید. همان روزی که همسایه‌ها وحشت‌زده سراغ من آمدند. من در خانه بودم. خانه ما حدوداً ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر با آن گودال فاصله دارد. وقتی همسایه‌ها آمدند، اصلاً باور نمی‌کردم که خانه خراب شده باشم.»

لحظه تلخ

صدایش می‌لرزید. نمی‌داند آن لحظه را چگونه باید توصیف کند: «به من گفتند که بچه‌ها در گودال دفن شده‌اند. من چهار پسر داشتم. همگی خردسال هستند. علیرضا ۱۱ سال داشت. همگی با هم به آنجا

شاید هرگز نتوانند فراموش کنند پدرانی که با چشم خودشان کودک خردسال‌شان را از زیر خاک‌ها بیرون آوردند. کودکانی که در آخرین بازی، زیر تلی از خاک مدفون شدند. پدرهایشان آنها را از زیر خاک بیرون کشیدند. چهار پسر بچه‌ای که با خنده و شیطنت از پدر و مادرشان جدا حاضری کردند. رفتند که بازی کنند. اما خبر تلخ و جانسوز چهار خانواده را برای همیشه عزادار کرد. خانواده‌هایی که حالا شکایت دارند از مقصران این حادثه؛ آنهایی که آن گودال خطرناک را ایجاد کردند تا به قتلگاه این کودکان تبدیل شود. پدرهایی که صحنه بیرون کشیدن جسم بی‌جان کودک‌شان در ذهن‌شان ثبت شده؛ پدران و بستگان این کودکان حالا در گفت‌وگو با خبرنگار شهروند روایت تلخی از این حادثه و وحشتناک دارند.

اشک می‌ریزد. از دل پدردرد می‌گوید. زخمی که هرگز خوب نمی‌شود. خودش با داستان خودش علیرضا ۱۱ ساله‌اش را از خاک بیرون کشید. آن هم وقتی که دیگر نفس نداشت. علیرضا جدگال یکی از چهار کودک قربانی چابهار است. همان کودکانی که ظهر روز جمعه در یک گودال پر از خاک دفن شدند. صدای خنده و بازی بچه‌های روستای بنواسحاق بازار از توابع بخش پیرسهراب چابهار در میان کوچه‌های خاکی می‌پیچید. آن روز ظهر بچه‌ها در گودال مشغول بازی بودند. چند روزی می‌شد که اهالی روستا گودالی برای دیوبی آب رودخانه حفر کرده بودند و بچه‌ها هم در آن بازی می‌کردند. آن روز بچه‌ها به سمت هوتک دویدند تا در آن بازی کنند. ناگهان صدای فریادهای آنها در کسری از ثانیه در آوار خاک و گردوغبار غلیظ مدفون شد. حالا چهار خانواده مانده‌اند با یک دنیا حسرت و داغی که هرگز خاموش نمی‌شود.

سرقت بنز با استفاده از جرتقیل نیسان

دیگرشان ارکان آن را تغییر دهند. ماموران برای تکمیل تحقیقات پلیسی پس از هماهنگی‌های قضائی از مخفیگاه متهمان بازدید کردند. بدین ترتیب در بررسی‌های بیشتر یک خودروی سواری پراید را که سابقه ثبت سرقت در کلانتری ۱۳۹ مرداران داشت، کشف کردند. سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: «عضو سوم این باند نیز دستگیر شد. متهمان به همراه دو خودروی سواری سرقتی به کلانتری انتقال یافتند و کشف جزئیات پرونده و سایر جرایم احتمالی متهمان ادامه دارد.»

نیسان خواسته تا خودرویش را به این مکان انتقال دهد. ماموران برای رفع ظن، پلاک انتظامی خودرو را استعلام کردند. در همین حین یکی از متهمان از محل متواری و عملیات دستگیری متهم آغاز شد. ماموران در یک عملیات پلیسی موفق شدند از فرار متهم جلوگیری کرده و به تحقیقات پلیسی ادامه دهند. در ادامه بررسی‌های پلیسی مشخص شد که خودروی بنز سرقتی بوده و سابقه ثبت سرقت از کلانتری ۱۴۰ باغ فیض دارد. متهمان که چاره‌ای جز اعتراف نداشتند، در بازجویی اولیه گفتند با انتقال خودرو به این مکان قصد داشتند با همکاری همدست

باند سه نفره سارقان خودرو که با استفاده از یک نیسان جرتقیل دار، خودروها را از معابر عمومی سرقت می‌کردند، از سوی پلیس پایتخت دستگیر شدند.

ساعت ۱۹:۱۰ دوم آبان ماه، ماموران گشت انتظامی کلانتری ۱۲۸ تهران نوهنگام گشت‌زنی در محدوده خیابان دماوند، متوجه حمل مشکوک یک خودروی سواری بنز توسط راننده و سرنشین یک خودروی نیسان جرتقیل‌دار شدند. سرنشین خودروی نیسان که خود را به ماموران مالک خودروی بنز معرفی می‌کرد، گفت که خودرویش حین حرکت خراب شده و به همین علت از راننده خودروی